

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل.

۱۰/۱۰/۱۶

"دولت کرزی"

نه سال قبل از امروز یعنی بعد از جلسه بن که بنا به زد و بند های سیاسی حلقه های منفعت طلب، طراحی ساختار سیاسی کشور تو سط قدرت های امپریالیستی به رهبری ایالات متحده امریکا تکمیل و غرض تطبیق آن "آقای حامد کرزی" منحصیث سمبول در لباس "شاع شجاع سوم" به تخت سلطنت جلوس و با پوشیدن لباس نمونه سعی فرمودند تا با کمال جدیت که در شان او شان نبود به اصطلاح حکومت داری را آغاز و هم در صورت ایجاب به قدرت نمائی منحصیث یک شاه، یک رئیس جمهور انتخابی و یک فرد ملی بپردازند. اوشان برای پیشبرد چرخ های سیاسی و اقتصادی کشور به همکاری ضرورت داشتند که البته قبلا همه از طرف باداران شان تعیین و تعدادی دیگر نظر به لزوم دید مقامات نگران و ناظر مرحله به مرحله معرفی شدند. آنچه آدمکش و جانی، خاین و چپاول گر بود در رأس چوکی های اجرائی و قضائی قرار گرفتند که هر کدام به تناسب خیانت های ملی، چپاول گری، آدمکشی و جنایات شان در گذشته و اندازه خدمت گذاری آنها به باداران شان صاحب مقامات گردیده و شروع نمودند به تداوم فعالیت های غیر انسانی خود با چور و غارت بقایای دارائی های ملی اما این بار زیر نام قانون، عدالت و دموکراسی؟ بلی نمیتوان آنرا انکار نمود. چون دامنه آن تا امروز هم هموار بوده و دوام دارد و امروز همه شاهد این جنایات بدون درد سر هستیم. عده ای از هم وطنان خوشباور و صاف دل ما انتظار داشتند تا این سیستم و نظام به اصطلاح نوین که با تار و مار شدن طالبان به وجود آمده جوابگوی نیاز های ابتدائی زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شان بوده و فریاد های خفه شده مظلومانه آنها شنونده و داد رسانی پیدا کرده است و میشود که بر زخم های سی ساله آنها که ناشی از ظلم و ستم (رفقاء) و (برادران) مرهمی گذاشته شود. آرزوهای زیادی در راستای آزادی شان که از قید و قیود سیستم های مسلطه قبلی وجود داشت و منتظر نتایج مثبت به نفع مردم و جامعه ازین معجزه که اتفاق افتاد، بودند و فکر میکردند دیگر همه چیز تمام شده، غم ها و رنج های بی پایان به پایان رسیده کشتار ها و بیداد گری و جنایت از بین رفته و جای آنرا مردم سالاری، عدالت و حقانیت خواهد گرفت و کشور ما تبدیل به نیمچه بهشت خواهد شد. خیلی امیدوار... بسیار خوشحال و با روحیه انسانی برای رسیدن آن

روزها دقیقه شماری میکردند و کمتر توجه به ساختار این دولت که از چه قماش است و از کجا رهبری میگردد و چه باید انجام دهد، بودند. خلاصه بعد از دوره انتقالی... دوره موقت و مرحله انتخابی...؟؟؟؟.. این انتظارها همچنان به حال خود باقی ماند و کاری به پیش نرفت و درین ۹ سال کم کمک مسیر حرکت دولت نشان داد که این دولت هرگز جوابگوی نیازمندیهای انسانی و ابتدائی مردم نمیتواند باشد و نمیتواند به سوی ترقی و منافع ملی کشور گام بردارد چون دولت تحمیلی به خاطر تأمین منافع قدرت های استثمارگر و ضد مردمی از همچو افراد به وجود آمد و چرخ های اقتصادی آن روی تجارت آزاد و ایجاد فاصله های عمیق بین توده ها و گروه های منفعت طلب و استفاده جو چرخانیده شد تا باشد که تعداد محدود از خائنین ملی و نوکران اجنبی ازین بازار آشفته استفاده های زیاد برده و بر شانه های ملت مظلوم ما سنگینی آن حاکم باشد و میتوان در ترسیمی از قیافه زشت دولت و تحلیل مختصر از نوع ساختمان و دست و پا بسته بودن آن تا اندازه ای به نتیجه رسید. اگر این دولت را به هیولائی که دو شاخ دارد و چندین پا که البته تعداد پاهایش نظر به ضرورت زمانی کم و زیاد میشود و یک دم تشبیه نمائیم خواهیم دید هر دو شاخ و تمام اعضای آن به زنجیر بسته شده است و نوک های زنجیر به دست پاکستان، ایران، روسیه، ترکمنستان، ترکیه و ... بوده دم آن زیر چکمه های عمو سام محکم گرفته شده است. برای روشن شدن مسأله باید ذکر کرد که "مارشال) فهیم و آقای خلیلی" و در رده های پائینی خوجه ئین ربانی، حضرت صبغت الله مجددی، سید احمد گیلانی، استاد سیاف، محقق، گلاب زوی، تنی، عبدالله عبدالله، رشید دوستم، قانونی، اکبری، شیخ آصف محسنی، صدیق چکری، جبار ثابت، احدی، فاطمه گیلانی، نور الحق علومی، فاروق وردک و ده ها تن دیگر از همین قماش چند گلبدینی و طالب و پرچی و خلقی و چند آدم بی سر و پای مجهول الهویه با سابقه بدجنایت پیشگی و نوکرمنشی.

اینها هستند که ساختار این دولت را که هر کدام آنها به طور مشخص و معلوم در آخور های شوروی دیروز، ایران و پاکستان نشخوار نموده اند تشکیل میدهند هر کدام اینها سالها در خدمت اجانب و بیگانه ها بوده و معاش خور شان بوده اند. برای همین روز تریبه شده بودند و حالا است که اربابان شان نتیجه زحمات شان را میخواهند ببینند و افغانستان در مسیر دلخواه آنان حرکت نماید و هر کدام زنجیرها را بطرف خود میکشانند و اینجاست که آقای کرزی (طالب هسته رو) تمساح گونه اشک میریزد و متاثر است از آینده و سرنوشت غم انگیز خود.

بلی هموطن نتیجه بیگانه پرستی چنین است و ازین بدتر آنرا هم شاهد خواهد بودیم. پس از دولتی با چنین ترکیبی چه میتوان توقع داشت؟ این دولت که قوای اجرایی آن خود دولتی دیگری در بطن این دولت میباشد و هیچ کدام از والی های ولایات تابعیت از حکومت کرزی ندارند و قوای مقننه آن در راه دیگری روان بوده چنانکه خود شاهد هستیم مثل دوران شاهی (بابای کرزی و پارلمان) مشغول کارهای قاچاق، واسطه شدن ها، تجارت (اسلامی) مواد مخدر و سفر کردن های دویی و امثالهم مصروف هستند که نمیتوان از آنها عملکرد انسانی انتظار داشت، پارلمان افغانستان که روی جعلیات و تقلبات مشهود آدم هائی را در خود دارد که اصلاً نمیشود روی آن حساب کرد. به طور واضح میتوان دید که همه آنهائی که در ترکیب دولت "آقای کرزی" رول و سهمی دارند به نوعی از انواع خود را (مهم) جلوه داده و هم اکثراً ادعای رهبری توده هارا نیز دارند رهبری گروهی از مردم را.

اما سؤال میتوان کرد که این چه نوع رهبر است که در بین مردم، در بین قوم خود در شهری که تولد شده بدون نگرهبانان مسلح رفته نمیتوانند ؟؟؟؟؟ چرا به خاطر اینکه آنها آنقدر خرابی نموده اند آنقدر جنایت و آدمکشی، چور و چپاول کرده و در حق هموطن و همشهری خود به اندازه توان تجاوز کرده و شهر خود را غارت نموده اند که امروز روی باز گشت و دیدن آن مردم را ندارند. میتر سند از آن مردمی که او فریبش داده است و بر حقش خیانت کرده است. چشم ندارد بالا ببیند. به چهره آن مردان جانباز و هم وطنی که قربانی عقیده خود شده و به دنبال همچو جانیمان مدتها اسلحه بر دوش رفته و باعث شدند تا این نامردان تاریخ به قدرت رسند و من حیث یک خر مهره خبیث در دیواری که این دولت بر آن بنا یافته، جا گیرند. این دولت و پایه های آن چون تهداب مردمی ندارد آنقدر ضعیف است و افراد تر کیب دهنده آن آنقدر از همدیگر و از کشور های همسایه میترسند که هیچ کدام از آنها در هیچ موقعیت تاریخی نتوانستند در مقابل حملات مطبوعاتی ایران و پاکستان حتی به ضد کوچک ترین فرد دستگاه دولتی همسایه ها عکس العمل نشان داده و یا حد اقل چیزی گفته باشند مثلا در وقتی که حمید گل وحشی و جانخور بدون واهمه با بی بی سی مصاحبه و مستقیما به دفاع از طالبان دولت کابل را ضعیف خواند و پشتونخواهی نمود و سخنان تفرقه انگیز مثل بی نظیر بوتو، بابر، مشرف و منافقان دیگر به زبان آورد این ارکان دولتی؟ این رهبران ریش دار و "بیریش"؟ آنانیکه در مسابقات ریش از عربها جلو ترند؟ این آقا زاده ها کجا تشریف داشتند؟ تا حد اقل یک حرفی، یک کلامی به ضد آن سخنان توهین آمیز و تفرقه افگانه حمید گل بر زبان آرند؟ اینکه چرا چیزی نگفتند؟ میتوان گفت که آنها نمیتوانند بگویند. آخر تمامی اینها که امروز گرد هم با سابقه چنان جنایات و آدم کشی جمع شده و دستگاهی را برای سرکوب من و تو به نام دولت عضو هستند اینها نوکران و جیره خواران جنرال حمید گل بودند و خدمت گذاران ای اس ای و هنوز هم هستند. اینها نوکران و خادمان پاکستانی و ایرانی هستند که بر من و تو حکومت دارند.

همو طنان من، ازینها نباید توقع هیچ کار انسانی را داشت. اینها انسان نبودند و نیستند پس چطور توقع باید داشت تا آنها کاری را در راستای مردمی و انسان دوستی انجام دهند یعنی آنها نمیتوانند، چون به پستی عادت کرده اند، با نو کر منش حیات به سر برده و زیسته اند. اینها جایی در بین مردم ندارند از مردم دورند چون مردم شریفند و اینها شرف فروختگان. و نباید به خود این حق را داد که از ایشان انتقاد کرد. یعنی انتقاد از کی؟ از یک مشت اجیر و رقاصه های سیاسی که پایند هیچ نوع قانون انسانی نبوده و هیچ نوع خصلت مردمی ندارند، باید انتقاد کرد؟ باید داد خواهی کرد و از جنایات عمال و گماشته های خود شان در مسند قوای دولت محلی به اربابان شان شکایت برد؟ و امید دادرسی داشت؟ از کج روشی، از قاچاق، از اختلاس، از جنایات و آدمکشی های علنی شان. از تجاوزات شان به اطفال صغیر و بی پناه، از حملات آنها به ناموس و شرف دختران ما و بی عزت نمودن زن افغان در دوران قدرت نمائی های قبلی و فعلی شان از به کجا باید پناه برد؟؟؟؟ و چه باید کرد؟ باید به خدا پناه برد و طلب کمک نمود؟ یا مر جعی دیگری است تا دست به دامان او شد و هدایت خواست؟ تا آنجا که من میدانم خداوند هم درین مدت شاهد این همه ظلم و ستم و بی عدالتی که در حق ملت شد، بوده است و شاید هم رضا به آن داشته است که چنین شود. از نگاه ارزش داشتن انسانی ملت ما نزد خداوند به اندازه شتر صالح پیغمبر هم نیست چون وقتی قوم صالح پیغمبر شتر او را که از چراگاه مردم استفاده نموده و سبزه خورده بود، زدند و یک پایش را زخمی

ساختند خداوند به خاطر این عمل شان با فرستادن زلزله همه آن قوم را کشت و شهز شانرا ویران کرد (سوره 7 العراف) آیت های ۷۲ تا ۷۹. می بینیم عدالت آسمانی را در مقابل ملت مظلوم خود که به خاطر پای یک شتر قومی را تباه ساخت و به خاطر ویرانی سر تاسری یک مملکت و آواره شدن بیش از شش ملیون انسان و کشته شدن دو ملیون هم میهن دیگرما و این همه بد بختی های ناشی از حکومت این وحشی ها که دو باره به قدرت رسیدند حتی بینی آقای سیاف خون نشد و گوش خوجه ئین ربانی کم شنوا نگشت و چشم ملا محمد عمر این موجود عجیب الخلقه آخر الزمان را کور؟؟؟ و زبان آقای مجددی را لکنت نداد یعنی یک عمل مثبت خداوندی به نفع این توده های عظیم و محروم ما صورت نگرفت. وقتی خداوند کاری به نفع انسانیت و مردم ما نکرد و یا نتوانست انجام دهد پس نمیتوان همین طوری دست زیر الاشه نشست و با گریه و زاری طلب کمک از میدانم کی بنمائیم .

بیا هم وطن، به خود آی! دقیق نظر انداز سابقه این خائنین را با هر چه گفته و کرده اند همیشه بیاد داشته باش. آنها مستحق محاکمه و مجازات هستند نه انتقاد و همکاری. بگذار این همکاری را به همنوعان خود شان مثل همین آقاییان به اصطلاح رهبران اسلامی و باقیمانده لاشخوران ح. د. خ.

آنها میتوانند از عهده این وظایف بر آیند و درین راستا امتحان هم داده اند. بر من و تو لازم می افتد تا یک بار دیگر خود را دریابیم و موقعیت تاریخی و رسالت انسانی خود را متوجه باشیم و در رزمگاه تاریخ یک بار دیگر ثابت کنیم که ما نه تنها از شتر صالح بهتریم بلکه از مالکین شتر و شیر شتر خورده ها هم برتری انسانی داریم و میتوانیم با اتحاد با همدیگر در روشنی خورشید حقیقت و تابناک مبارزات وطن خواهانه به پیش رفته و باعث شویم تا این زاغ ها و لاش خواران به زباله دان تاریخ انداخته شوند و وطن پاک از مزخرفات، ظلم و بیعدالتی داشته باشیم بلی هموطن می توانیم. توان و قدرت آنرا داریم اما از قدرت خود آگاهی سیاسی نداریم فراموش مکن پدران ما و خود ما بزرگترین قدرت های جهانی را از ملک خود فراری داده ایم کار این بوت پاکان و بی وجدانان و ظن فروش آنقدر سخت نخواهد بود.